

سخن سردبیر

به نام خدا

دوستان و سروران ارجمند

در دنیای پرشتاب علمی امروز، دمامم بر گستره، تعداد، ژرفا و میزان تخصصی شدن علوم، افزوده می‌گردد و طبیعتاً از اندیشمندان هر حوزه انتظار می‌رود متناسب با پیشرفت علوم، بتوانند پاسخگوی نیازهای علمی یک جامعه باشند. یکی از این حوزه‌ها، حوزه‌ی آموزشکاوای زبان فارسی است، که بر خلاف پیشرفت‌های چشمگیر و بی‌شمار دانش آموزشکاوای زبان در کشورهای توسعه‌یافته، با کاستی‌های فراوانی مواجه است. بنابراین، شایسته است بدون آن‌که مسحور پیشرفت‌های دانش آموزشکاوای در کشورهای پیشرفته شویم و همواره چشم به دستاوردهای این کشورها داشته باشیم، تلاش نماییم که با بومی‌سازی دانش آموزشکاوای زبان، این کاستی‌ها و کمبودها از حوزه‌ی آموزشکاوای زبان فارسی رخت بریندد که بهره‌گیری از متخصصان مجرب و متعهد در حوزه‌ی آموزشکاوای و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، یکی از این راه‌هاست.

به عنوان نمونه، یکی از این کاستی‌ها در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی این است که به «دستور زبان آموزشی» آن‌چنان که شایسته است، هنوز پرداخته نشده است. در حوزه‌ی دستور، اگر بخواهیم در این سخن کوتاه وارد جزئیات نگردیم، نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به طور کلی، برخی از متخصصان ادبیات دستور را بیشتر از جنبه‌های تاریخی و ادبی به منظور فهم متون تاریخی و ادبی مطمح نظر قرار می‌دهند. این نگرش دستور را بیشتر بر اساس آثار برجسته‌ی ادبی تجویز می‌کند و به جنبه‌های کاربردی و ارتباطی زبان امروز توجه‌ای نمی‌کند.

زبان‌شناسان جنبه‌های گوناگون زبان را در چارچوب نظریات گوناگون به صورت بسیار تخصصی و در حوزه‌های واج‌شناسی، ساخت واژه، نحو و معناشناسی و کاربرد شناسی بررسی می‌کنند. اطلاعات تخصصی و گوناگون که گاه در تضاد با یکدیگر هستند و فهم آن نیازمند گذراندن دوره تخصصی دانشگاهی است که با اهداف آموزشی زبان در سطوح پایین‌تر یا کوتاه‌تر زبان سازگار نیست. هر دو نگاه خود از جایگاه والایی برخوردار است، اما در حوزه‌ی آموزش زبان فارسی، به‌ویژه به‌عنوان زبان دوم یا خارجی، بحث دستور، نگاه دیگری را طلب می‌کند: نگاهی واقع‌گرایانه و کاربردگرایانه و نیز با قابلیت‌های یادگیری و یاددهی در این

حوزه. در نتیجه بایسته است نگرش متخصصان نسبت به آموزش دستور تغییر کند و نوعی از دستور تحت عنوان «دستور آموزشی»، تدوین و معرفی گردد که می‌توان برای این دستور، مشخصات زیر را برشمرد:

۱- نگاه واقع‌گرایانه بدین معناست که نگاه دیگر تجویزی نیست، بلکه زبان واقعی روزمره در سطح گفتار و نوشتار و حتی گونه‌های مختلف هر یک مدنظر آموزشکاو قرار می‌گیرد.

۲- کاربردگرایانه از این منظر که مانند نگاه زبان‌شناسی محض و تخصصی نیست، بلکه جنبه‌ی کاربردی زبان مدنظر است، بر این اساس تک‌تک واژه‌های انتخابی آموزشکاو به لحاظ صورت، معنا و کاربرد مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳- منظور از قابلیت یادگیری این است که آموزش زبان واقعی و کاربردی تا چه اندازه بر مبنای نظریات یادگیری زبان استوار است، به عبارت دیگر، پس از تدوین مطالب آموزشی، سطح‌بندی و اولوت‌بندی و چینش آن‌ها مبتنی بر نظریات یادگیری زبان دوم و خارجی باید باشد.

۴- قابلیت آموزش دهی بدان معناست که پس از انتخاب نکات دستوری مفید و مورد نیاز، آنها را چگونه و با چه راهبردها و فنونی آموزش دهیم. آموزش دستور در ارتباط و در درون آموزش و گسترش مهارت‌های اصلی زبانی صورت می‌پذیرد. آزمون دستور همچون گذشته به صورت جدا از سایر مهارت‌ها وجود ندارد، بلکه به‌کارگیری آن در ضمن مهارت‌های زبانی و در تولیدات نوشتاری و گفتاری زبان‌آموزان سنجیده می‌شود.

امید است با انجام مطالعه و پژوهش‌های کاربردی در زمینه‌ی دستور آموزشی و تعمق و تفکر اندیشمندان در این حوزه، به نتایجی دست یافت که راهگشای دانش نوپای آموزشکاو زبان‌فارسی و مدرسان آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان گردد. به امید پیشرفت و رسیدن به قله‌های رفیع علمی.

امیررضا وکیلی فرد- آموزشکاو زبان فارسی و سردبیر پژوهش‌نامه